

House arrest as one of the alternatives to imprisonment in Afghanistan's criminal law

**Associate Professor Shirshah Salehi
Faculty of Journalism
Bakhtar University**

Abstract

Prison is a place where individuals are physically restricted, restricted, and often denied personal freedoms. Prisons are contractually organized organizations that are part of a country's judicial system and are used as a court-ordered legal punishment for committing a crime in order to implement the authorized imprisonment. Home arrest is an alternative to imprisonment, including domestic and electronic imprisonment. These two permissible are always accompanied by electronic monitoring. Imprisonment is at the home of the fledgling system, explicitly referred to in Article 150 of the Afghan Penal Code. There are always positive and negative effects on this type of punishment.

حبس در منزل به عنوان یکی از بدیل های حبس در حقوق جزای افغانستان

پوهنیاړ شیرشاه صالحی
پوهنځی ژورنالیزم
پوهنتون باختړ

مقدمه:

زندان مکانی است که اشخاص از نظر فزیک، محدود و توقیف و معمولاً از آزادی های شخصی محروم می‌شوند. زندان‌ها به طور قراردادی، سازمان‌هایی هستند که بخشی از نظام قضائی یک کشور محسوب می‌شوند و به منظور تطبیق مجازات حبس، به عنوان یک مجازات قانونی که به صورت حکم از سوی محکمه صادر شده است، به دلیل ارتکاب جرم بکار می‌روند. حبس در منزل نوعی بدیل حبس محسوب می‌شود که شامل حبس خانگی و الکترونیکی است. این دو مجازات همواره با نظارت الکترونیکی همراه هستند. حبس در منزل نظام نوپا است که بطور صریح در ماده (150) کود جزای افغانستان به آن اشاره شده است. همواره آثار مثبت و منفی بر این نوع مجازات بار است.

گفتار اول - ویژه گی‌های مجازات و اهداف مجازات ها را می‌توان در یک هدف عینی یعنی اصلاح و تربیت مجرم و پیشگیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و شرکاء یا معاونان آن‌ها و به شکل عام نسبت به جامعه و یک هدف ذهنی یعنی اجرای عدالت خلاصه کرد.

1 - هدف عینی مجازات (اصلاح و تربیت)

بی آنکه ابزارهای مجازات را مورد ارزیابی قرار دهیم یا در دقت و صحت آنها برای اصلاح مجرم و جامعه کنکاش کنیم یادآور می‌شویم که اعمال مجازات‌ها در کلیه جوامع فعلی با خصوصیتی که ذکر کردیم به نظر طرفداران آنها برای اصلاح و تربیت مجرم از سویی و اصلاح جامعه از سوی دیگر است، زیرا کوشش بر این است که مجرم با تحمل جزا، تادیب و اصلاح شود و «بازاجتماعی» شدن او تسهیل گردد. این مساله گرچه ممکن است در مورد برخی از مجازات‌ها مانند اعدام در مورد مجرم ممکن نباشد، اما با توجه به اینکه امروز در اکثر نقاط جهان غالب مجازات‌ها را زندان و جریمه تشکیل می‌دهد. (رک: 373) و در اعمال این مجازات رعایت مسائل مختلف می‌شود، می‌توان گفت مجازات به تربیت و اصلاح مجرم کمک می‌کند. همچنین وقتی جامعه مواجه با مجازات مجرمان می‌گردد و به ارزیابی اعمال آنها می‌پردازد، این مساله خود در اصلاح جامعه و شناخت کاستی های آن تاثیر می‌گذارد و به علاوه «پیشگیری از جرم» نسبت به مجرم به شکل خاص به پیشگیری از جرم در جامعه به شکل عام می‌انجامد. این دیدگاه، مجازات را لااقل از جهت نظری فاقد جنبه ی انتقامی می‌شناسد و به فایده ی اجتماعی آن توجه دارد بی آنکه خصوصیات مجازات‌ها را نادیده انگارد. به عبارت دیگر هر چند امروز اصلاح و تربیت مجرم بیش از ارعاب و طرد او مورد نظر است اما با توجه به جوهر مجازات‌ها که قبلاً نیز به عنوان ویژگی آنها عنوان شد نمی‌توان صرفاً به اصلاح و تربیت و بازاجتماعی شدن مجرم بی توجه به ذات مجازات پرداخت.

2 - هدف ذهنی مجازات (اجرای عدالت):

مجازات نیز به عنوان ضمانت اجرای مشخص قانونی ظاهر می‌شود. این ضمانت اجرا ممکن است نسبت به حیات شخص مجرم باشد (مانند مجازات اعدام) آزادی وی را مورد آسیب قرار دهد (مثل حبس) ، نسبت به اموال او اعمال گردد (مانند مجازات توقیف یا مصادره اموال) و یا آبرو و حیثیت او را هدف گیری نماید (مانند مجازات بایکوت کردن و خلع از عناوین و یا برخی محرومیت های اجتماعی)؛ لذا جزا از نظر اخلاقی حاکی از احساس نیاز جامعه به اجرای عدالت است. بشر در واکنش نسبت به ستمگری و جباریت ، اعم از شخصی یا گروهی ، احساسی عالی و غالباً ایده آلی دارد و اگر جبران ستم کشی خود را با مجازات ستمگر و متجاوز به حق خود نبیند دچار یاس و ناامیدی می‌گردد و احساس بی عدالتی می‌کند. اما اجرای عدالت با تعریف نامشخص و قلمرو نامعین آن مساله پیچیده‌ای است، زیرا چه بسا اعمالی غیر عادلانه برای فرد یا گروهی ، عین عدالت برای فرد یا گروه دیگر است. جامعه با مقررات گاه شدید خود احساس بی عدالتی را در افراد می‌پروراند، در حالی که برای قانونگذار وجود چنین مقررات و قوانینی جهت نظم اجتماعی و روابط بین افراد ضرورت فراوان دارد و عادلانه و منصفانه جلوه می‌کند. سارقی که مالی را می‌دزدد عدم توانایی خود برای ادامه ی زندگی یا پیدا نکردن کار و یا مسائل دیگر را عنوان می‌سازد و از نظر او برداشتن از مال دیگران در چنین شرایطی عین عدالت است و مجازات نهایت بی عدالتی ، اما برای جامعه این اعتقاد صحیح نیست و بردن مال دیگری بی عدالتی است. جامعه چندان به نحوه ی مال اندوزی و ثروت

تکیه نمی‌کند، مالکیت را محترم می‌شمارد و مشروعیت آن را مگر در شرایط استثنایی می‌پذیرد و تجاوز به این مالکیت را مذموم می‌داند و مجازات می‌کند.

گفتار دوم- آثار و پیامدهای زیانبار زندان

1. کاهش بازدارندگی و حالت اربابانه مجازات حبس به دلیل استفاده زیاد در موارد غیر ضروری و جرایم سبک و حتی غیر عمدی.
2. تحمیل هزینه‌های سرسام آور و گزاف نگهداری از زندانیان بر نهاد حکومتی و نهایتاً جامعه.
3. صدمات و آلام روحی برای فرد زندانی و خانواده وی در نتیجه جداسازی از هم و جامعه.
4. ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد مانع شدن در بازگشت عادی فرد به اجتماع و عامه مردم.
5. کاهش اثرات تربیتی و باز پروری بدلیل افزایش بیش از حد و غیر معقول جمعیت زندانیان.
6. ایجاد زمینه‌ای برای جرفه‌ای تر شدن فرد زندانی بدلیل اختلاط و مصاحبت با مرتکبین به جرایم گوناگون.
7. باز آموزی جرایم مختلف بدلیل عدم طبقه بندی مناسب ناشی از جمعیت بالای زندانیان و عدم فضای مناسب و کافی برای اسکان زندانیان.
8. تحمیل اثرات منفی و زیانبار بر خانواده و فرزندان محکوم و تخریب شان و منزلت اجتماعی آنان.
9. مسائل بهداشتی و بیماری‌های واگیردار و شیوع و گسترش آنها از قبیل ایدز، هپاتیت و سل و سایر بیماری‌های عفونی.
10. وقوع انحرافات و جرایم جنسی در میان زندانیان.
11. خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در زندان و بعضاً روی آوردن به اعتیاد در زندان.
12. خارج شدن فرد زندانی از چرخه اقتصادی کشور و تبدیل شدن به مصرف کننده‌ای صرف در حبس.
13. عدم جامعه پذیری بعد از آزادی از زندان بدلیل انس گرفتن با منطق زندان که محیط غیر اجتماعی است.
14. با در نظر داشت پیامدهای ناگوار زندان بود که در نظام حقوقی کشورها مجازات بدیل حبس جا گرفت از به اهداف اساسی زندان که عبارت از بازدارندگی، ناتوان سازی و اصلاح و تربیه مجدد مجرم میباید نایل آیند.

بدیل‌های حبس

بدیل‌های حبس عبارات از مجازات اند که بر مجرم به عوض حبس به شکل رهایی قید از طرف محکمه حکم می‌گردد، که این جزاها با در نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکب، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌گردد. مجازات بدیل حبس دارای انواع مختلف چون دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل میباید.

حبس در منزل

حبس در منزل یک حبس در خارج از محیط زندان است که مجرم دوران مجازات خود را در منزل یا محل سکونت خود می‌گذراند. و دارای محدودیتهایی است، از جمله: منع رفت آمد آزادانه، منع ارتباط آزادانه با افراد، منع خروج از خانه در ساعات غیر کاری و غیره. در این مجازات، ماموران و سیستم‌های نظارتی و مراقبتی حضور دارند که هر ساعت از شبانه رو مجرم را تحت کنترل قرار میدهند، مجرم باید برای هر کار خارج از برنامه‌های خود، ماموران را مطلع کند. به عبارت دیگر میتوان گفت: حبس خانگی یک سلسله ضمانت اجرای محدود کننده‌ای است که از تحمیل منع رفت و آمد تا حبس در منزل در ساعات غیر کاری مجرم را در بر می‌گیرد. به مجرمان تحت این برنامه، اجازه داده میشود برای مقاصد ضروری از جمله کار کردن، معالجه یا بهر همد از خدمات اجتماعی منزل را ترک کنند.

الف- شرایط و احکام نگهداری حبس در منزل

مجازات حبس خانگی در کشورهای مختلف در چند مرحله انجام گرفته است. استفاده از مجازات حبس خانگی منحصر به ایالات متحده نیست در کشور سوئد نیز این طرح ابتدا به شکل آزمایشی در سال 1994 به اجر گذاشته شد که به موجب آن اعدادی از مجرمان نوجوان انتخاب شدند تا به جای زندان تحت مراقبت الکترونیکی قرار بگیرند و در شش منطقه‌ای آزمایشی متخلفانی که محکوم به دو ماه زندان یا کمتر بودند، انتخاب شدند تا در خانه بمانند و مچبندی الکترونیکی ببندند تا نتایج حاصله

فراتر از انتظار بود. سه سال بعد این برنامه تا آنجا گسترش یافت که در سراسر کشور، تمام مجرمانی که به سه ماه زندان یا کمتر محکوم شده بودند را در بر گرفت. در مرحله دوم اجرای طرح شامل مجرمانی محکوم به بیش از چهار ماه زندان بود. بنابر این مجازات حبس خانگی همه‌ی مجرمین را در بر نمی‌گیرد بلکه تنها مجرمینی را در بر می‌گیرد که کم خطر باشند و جرایم بزرگی انجام نداده باشند. برنامه‌های حبس در منزل در ابتدای نیمه دهه 1980 بطور وسیعی بسط و گسترش یافتند. برنامه‌های آغازین نوعاً محدود بودند و اغلب برای جرایم رانندگی همراه با مستی و مرتکبان جرایم مالی کوچک به کار می‌رفتند، برنامه‌های رشد و تکثیر پیدا کردند و بزرگترین برنامه در فلورید است که در آن 13 هزار مجرم در سال 1993 به حبس در منزل محکوم شدند.

مجازات حبس در منزل در مورد همه‌ی زندانیان قابل اعمال نیست بلکه صرفاً در خصوص محکومان به حبس‌های کوتاه مدت که مجرمانی غیر خطرناک به شمار می‌روند، قابل اجراست. در این سیستم مجازاتی، شخص محکوم، دوران محکومیت خود را با هزینه‌ی خود در منزل خود سپری می‌کند. او در کنار تحمل مجازات حبس، امکان حضور در کنار خانواده و سرپرستی و انجام فعالیت‌های اجتماعی را دارد. از موارد مذکور سه نکته مهم برداشت می‌شود 1- کم خطر بودن مجرم 2- سبک بودن جرم 3- عدم تهدید جامعه بوسیله ارتکاب جرم. از شرایط اساسی برای مجازات حبس در منزل است. در واقع قانون، با دور نگه داشتن مجرمین کم خطر از زندان، بین مجرمین خطرناک و کم خطر، تفکیک قائل می‌شود. و امکان اصلاح و تنبیه مجرمین کم خطر را در جوی آرام و مناسب برای این کار، فراهم می‌سازد. از نکات مثبت این مواد، قائل شدن شرایط حداقل سنی برای مجرمین و هم چنین تعیین حداکثر مجازات است اما نکته منفی مورد اشاره این است که در این مواد، بصورت دقیق اشاره نشده است که معیار و ملاک مناسبی نمی باشد.

ب- شرایط و احکام حبس در منزل در قوانین افغانستان

موضوع حبس در زندان در قوانین افغانستان انعکاس پیدا کرده است و بصورت صریح به آن اشاره شده است و این موضوع بخاطر تازگی و جدید بودن این مجازات در قانون ماست. لیکن در همه جاییکه به این مجازات پرداخته شده است به تفصیل بیان می‌کنیم.

1. در فقره 1 ماده 168 کد جزای افغانستان، صلاحیت اهدا یا حکم حبس در منزل منحصراً بدیل به محکمه داده شده است. یعنی محکمه تنها مرجع اعطاء کننده مجازات حبس در منزل می‌باشد. این حکم زمانی بر متهم تطبیق و صادر می‌گردد که جرم وی مستوجب مجازات جزای حبس تا پنج سال باشد.
2. در فقره 2 ماده 168 شخص محکوم به حبس در منزل حق خارج شدن از منزل را ندارد و تنها در دو مورد استثناء می‌تواند در منزل خارج شود. اولاً اینکه شخص بخاطر خارج شدن از منزل باید اجازه رسمی از محکمه ذیصلاح داشته باشد یا هم برای اجرای امور ضروری از منزل خارج گردیده باشد.
3. در فقره 3 ماده 168 مدت زمان که محکمه میتواند برای متهم در امر حبس در منزل تعیین نماید ذکر گردیده است. که این مدت زمان از شش ماه الی دو سال می‌باشد.
4. در فقره 4 ماده 168 مرجع نظارت کننده بر مجرم در امر حبس در منزل تعیین گردیده که با در نظر داشت این فقره صلاحیت نظارت بر مجرم از طریق وسیله الکترونیکی که در مرکز نظارت بر تطبیق جزای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددکار اجتماعی، کنترل می‌گردد.
5. در فقره 5 ماده 168 در مورد عدم رعایت احکام حکم محکمه از سوی مجرم ذکر شده که در صورت تخلف یا عدم رعایت مدت باقی مانده جزای بدیل حبس به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد.

نتیجه گیری

با وجود اینکه به درستی نتایج حبس خانگی روشن شده است، هنوز در مرحله آزمون و خطاست. به عقیده یکی از حقوقدانان غربی اثر اصلاحی و تربیتی چنین برنامه‌های بر توانایی طرح و استفاده از روش نظارت الکترونیکی... به منظور تشویق به یک زندگی غیر مجرمانه و تسهیل نهادینه کردن چنین تغییرات به وسیله مجرمان متکی است.

منابع و مأخذ

1. کود جزای افغانستان، 1395.
2. نوریها، دکتر رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، صفحه 47، سال: 1384، چاپ دوازدهم، نشر داد آفرین.
3. بابک - مجازاتهای جایگزین حبس - مجله دادگستری سال سوم - ش 16.
4. محمدنسل، غلامرضا 1384، نظارت الکترونیکی بر بزهکاران، فصلنامه دانش، انتظامی سال هفتم.
5. صدیق فر، مینا، 1387، کیفرهای اجتماعی محور در ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید.